

# مکتب‌های سیاسی

اپیس کوبال  
کلیسای اپیس کوبال  
اپیس کوبالی  
سیستم اپیس کوبالی

EPISCOPAL  
EPISCOPAL CHURCH  
EPISCOPALIAN  
EPISCOPALIANISM

اپیسکوپال  
اپیسکوپال - چرچ  
اپیسکوپالین  
اپیسکوپالینیسم

سرچشمه‌ی گناه! رستگاری فقط در انتخاب و پذیرفتن الطاف خداوندی و چنگ انداختن به قوانین اخلاقی است.

در **گفتمان فلسفی**، جان - کالوین اعتقادی نداشت که کلیسا و مردم باید به سلطنت متکی باشند. به همین سبب این کشیش با کلیسای ملی National Church که پادشاه ریاست دنیوی و این جهانی آن را بر عهده داشت، مخالف بود و می‌گفت که قدرت روحانی (مذهب کلیسا - مسیحیت) بر قدرت جسمانی (افراد - جامعه - پادشاه) برتری دارد و به همین سبب این رفورمیست اعتقاد داشت که کشیش‌ها قدرتی مافوق قدرت دنیوی دارند و بر دیگران برتری دارند. پس، قدرت‌های مادی، معنوی، اجتماعی، فردی و سیاسی پادشاه و مردم تنها از یک چشمه می‌جوشد و فوران می‌کند و آن هم فقط "دین" است. آن هم دینی که مطلقاً در اختیار طبقه‌ی ویژه‌ای به نام روحانیت، کلیسا، اسقف‌ها، کشیش‌ها و وابسته‌گان آن‌ها است. باورها و اعتقادات یک طرفه‌ی این کشیش و روحانی مسیحی به زودی به ادیان دیگر نیز سرایت کرد و روحانیون دیگر مذاهب نیز باور کردند که نسبت به دیگران برتری دارند و باید همه چیز جوامع انسانی زیر نظر آن‌ها باشد و دیگران از آن‌ها تقلید کنند.

از سوی دیگر، این کشیش نوگرا کلیسا را از انزوا درآورد و این باور که کلیسا جای‌گاه افراد ویژه‌ای است که به علت تقدس به خدا نزدیک تر هستند را مردود اعلام کرد و در یک فراخوانی عام مردم عادی را به انجمن‌های محرمانه و درونی کلیسا کشاند و برای کلیسا نوعی حکومت خودمختار و مستقل به وجود آورد و بر تعداد اعضای کلیساها و بر تعداد متعصبین مذهبی افزود.

**رفتارهای مذهبی و اجتماعی جان - کالوین** سبب شد که رابطه‌ی تنگاتنگ کشیش‌ها و اسقف‌ها در کلیسای ملی با حکومت روم قطع شود. مکتبی را که جان - کالوین پایه‌گزار آن بود «اپیس کوپالیسم Episcopalism» (E-pis-co-pal-ism) نام گرفت و دکنترین آن، جانب‌داری از حکومت مذهبی کشیشان و اسقفان بود و شکل حکومتی را تبلیغ می‌کرد که از سوی مجموعه‌ی کلیساهای ملی به وجود آمده باشد و نه از جانب تمامی مردم. نخبه‌گان حکومت موردنظر جان - کالوین، کشیش‌ها و اسقف‌های مسیحی هستند و نه دیگران!! به کلامی دیگر می‌توان گفت که، جان - کالوین مذهب را وارد سیاست کرد و حتا آن را برتر از سیاست می‌دانست! ... کلیسا را بر بام سیاست نشانند و مقام مردم عادی را در مقابل روحانیت و کلیسا بسیار پایین‌تر آورد.

پایان

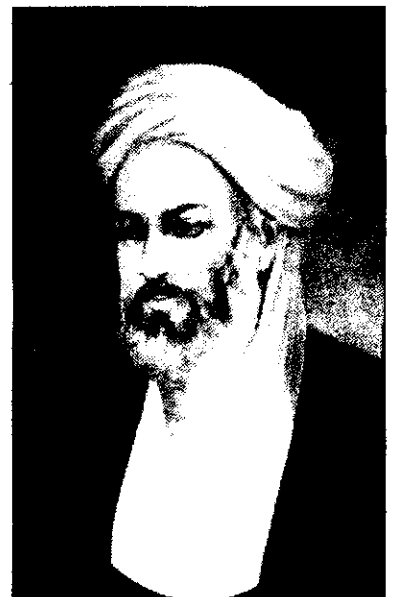
قرن ۱۵ و ۱۶ در اروپا را قرن تجدید و یا پیدایش نظریه‌ها، فرضیه‌ها، تئوری‌ها و ایسم‌های مختلف دانسته‌اند.

قرن‌های آغازین مسیحیت تا رسیدن به دوره قرون وسطا، قرن‌های حکومت مطلق کلیسا بر جامعه بوده و در آن سال‌های پراضطراب و پراشوب کلیسا به عنوان یک اهرم تعیین‌کننده و مطلق دینی بر سرنوشت این جهانی و آن جهانی مردم حکومت می‌کرد و به هیچ‌کس اجازه نمی‌داد به جز به دین و کلیسا بیندیشد. هر آن‌کس که سر از اطاعت کلیسا می‌پيچید و یا از اختلاط و پیوسته‌گی دین و سیاست انتقاد می‌کرد به کفر و بی‌دینی و مخالفت به مسیح و خدا متهم می‌گردید، از حقوق اجتماعی محروم می‌شد؛ اموال و دارایی‌هایش به نفع کلیسا مصادره شده، دستگیر و زندانی می‌گردید و به نسبت مقام و موقعیت اجتماعی‌اش یا در زندان‌ها می‌پوسید، یا سرش زیر گیوتین (گیلوتین) می‌رفت، اعدام و یا سوزانده می‌شد. گروه‌بی‌شماری از روشن‌فکران، فرهیخته‌گان، فیلسوفان، خردورزان و مخالفین سیاسی به جرم مبارزه با خرافات دینی و استبداد مذهبی در این دوران سیاه نابود شدند.

**جان - کالوین** John Calvin یا جین - چاوین Jean Chauvin (۱۵۰۹-۱۵۶۴) یک کشیش فرانسوی و ساکن سوئیس بود که اصلاحاتی در دین مسیحیت در قرن شانزدهم میلادی به وجود آورد. **جان - کالوین** به عنوان یک رفورمیست مذهبی در دین مسیح شهرت دارد. این

تئولوژیست مذهبی در قرن شانزدهم دکنترین تازه‌ای را به وجود آورد که به "کالوینیسم" مشهور است. وی اعتقاد داشت که نوعی تفوق و برتری مطلق در شناخت حقیقت در کتاب مقدس وجود دارد که الهام و مکاشفه را آشکارا نشان می‌دهد.

**جان - کالوین** باور داشت که با توجه به حقیقت مطلق که در کتاب مقدس وجود دارد: خداوند پاک، درستی و راستی مطلق است و انسان



شماره ۱۳۸۳